

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲ اسفند ماه ۱۳۰۹ * (سوم شوال ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

۱) تصویب صورت مجلس
۲) اجرای مراسم تحلیف

۳) بقیه شور لایحه انتزاع املاک اتباع خارجه
۴) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس دو شنبه ۲۷ بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

(در اینموقع بمناسبت حاضر نمودن کلام الله مجید در مجلس حضار قیام نمودند)

سپس آقایان مفصله الاسامی بموجب اصل یازدهم قانون

اساسی بطریق ذیل قسم یاد نموده و قسم نامه را امضا نمودند

بسم الله الرحمن الرحيم - من که در ذیل اعضا

مینمایم خداوند را بشهادت منیطلبم و بقرآن مجید قسم یاد

میکنم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون

اساسی محفوظ و مجری است تکالیفی را که بمن رجوع شده

است مهمما امکان با کمال راسق و درستی و جدو جهدا انجام

داده ونسبت به اعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مضمخ خود

صدیق و راستگو باشم و باساس سلطنت و حقوق ملت

خیانت ننمایم و هیچ منظوری نداشته باشم جز فوائد و

مصالح دولت و ملت ایران .

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - قبل از دستور

رئیس - آقای فزونی

فزونی - قبل از دستور

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (نمایندگان -

خیر) صورت مجلس تصویب شد .

بعضی از نمایندگان - وارد دستور شویم

[۲ - اجرای مراسم تحلیف]

رئیس - بسیار خوب حالا شروع میکنیم با اجرای

مراسم تحلیف از طرف آقایان نمایندگان که قسم

یاد نکرده اند

* عین مذاکرات مشروح دهمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

آقایان: - طباطبائی و کیلی - دکتر شیخ - حاج حسین آقا مهدوی - محمد علی میرزا دولتشاهی - رهبری - مفتی آقا رضا بوشهری - حسنعلی میرزا دولتشاهی - فتحعلی خان بختیار - تربیت - طهرانچی - دکتر لقمان (با اضافه کلمه توربه) - سهراب خان ساکنیان (با اضافه کلمه انجیل) مصدق جهانشاهی

۳- بقیه شور لایحه انتزاع املاک اتباع خارجه
رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع باموال غیر منقول اتباع خارجه ماده ۵ شور اول
طباطبائی دیبا - عدلیه
رئیس - عدلیه

ماده پنجم - پس از آنکه قیمت ملک بطریق مذکور فوق معین گردید ملک بمزایده به ترتیبی که در اصول محاکمات حقوقی برای مزایده مقرر است فروخته خواهد شد
رئیس - ماده ششم قرائت میشود:

ماده ششم - اگر ملک به قیمت تقویمی و یا بیشتر خریدار پیدا نکرد همان قیمت تقویمی متعلق بدولت شده و سند انتقال از طرف محکمه بدایت بدولت داده میشود
رئیس - ماده هفتم قرائت میشود

ماده هفتم - هرگاه دولت قیمت مزبور را نقداً بپردازد ملک را قطعاً تصرف خواهد کرد و اگر قیمت را نقداً نپردازد ملک تا پرداخت قیمت در تصرف دارنده آن (یا وارث او) باقیمانده و دارنده ملک آن را بخرج خود اداره کرده و منافع آن را تملك خواهد نمود

تا موقعی که دولت قیمت ملک را نپرداخته است دارنده ملک حق خواهد داشت بهر نحو و بهر قیمتی که بخواهد ملک را با اطلاع دولت بیکى از اتباع ایران انتقال دهد و این انتقال مورد تصویب واقع خواهد گردید و ذمه دولت و دارنده ملک نسبت بهم بری خواهد شد.

رئیس - آقای مؤید احمدی
مؤید احمدی - بنده عقیده خودم را در کمیسیون عرض کردم بعقیده بنده این ماده هفتم بکلی نقض میکند غرضیکه دولت از تقدیم این لایحه دارد.

غرض دولت البته از وضع این قانون این بودم است که مطابق عهود سابقه اتباع خارجه در ایران حق تملك نداشته باشند و بعقیده بنده در ایام هرج و مرج ایران پیش از طلوع سلطت پهلوی بعضی از اتباع خارجه املاکی را تملك کردند بابعضی از اتباع داخله بستگی پیدا کردند بخارجی ها و بعضی املاک را بردند البته دولت مجبور بود که این قانون را وضع کند و آن املاک را از تملك غیر مشروع آن اشخاص بیرون بیاورد این علت وضع این قانون بود بعقیده بنده مطابق ماده یازده و سیزده و ماده چهارده قانون تابت که در شانزدهم شهریور ۱۳۰۸ از تصویب گذشته در آن مواد هم تصریح شده است که اگر اشخاصی از اتباع خارجه در ایران ملکی پیدا کردند ولو بطریق ارت مثلاً یک کسی زن اروپائی داشت مرد و وارثش شد و اودارای ملک شد در آن قانون تصریح شده که این دارائی را چه ترتیب بفروش رساند که مالک نشود و همچنین در ماده چهارم ضمیمه پنجم امتیاز بانگ شاهنشاهی آنجا هم نوشته شده که بانگ حق دارد املاکی را بگرو بردارد حتی حق تملك دارد اما این تملكش پیش از یکسال نخواهد بود و معلوم بود برای این که بعد از یکسال تکلیف چیست قانون باید وضع کرد لیکن این ماده هفت نقض میکند این غرض را بعلت اینکه ملک را بمزایده گذاریم و مشتری پیدا نشد در این ماده هفت میگوید منتقل میکند بدولت و اگر دولت پول نداشت یعنی بر نداشت ملک بتصرف او میماند تا وقتی که دولت این پول را بدهد محدود بوقتی هم نیست بلکه آمده در این قانون بوارث هم حق داده که اگر خودش مرد وارث هم این حق را داشته باشد منتهی تملکی است متزلزل لیکن حق تملك دارد محصولش را بر میدارد مالیاتش را میدهد همان آثاری که بر ملکیت قطعی مترتب است بر این ملکیت اتباع خارجه هم ما قائل شده ایم و هیچ فرق ندارد بوارث هم حق دادیم در حالتیکه اگر مالک نبود ارت نمی برد ما این حق تملك را برای او باین شکل قائل شده ایم بنده عقیده ام این است که این ماده هفت نقض میکند غرضی را که از وضع این قانون داریم مگر محدودش کنیم و

بنده عقیده میکنم است در ظرف چهار سال پنج سال پنج سال باید یکساله زمین کنید که این را دولت مجبور باشد که مرد و این خرج را بر پولهای دیگر مقدم بدارد و این ملک را بر داند والا فایده ندارد خیلی خوب ملک در تصرف اتباع خارجی میماند منتهی ثمراتش این است که متزلزل است والا حق نقل و انتقال دارد حق ارت دارد محصولش را بر میدارد مالیاتش را میدهد همان آثاری که بر ملکیت قطعی مترتب است بر این ملکیت اتباع خارجه هم ما قائل شده ایم و هیچ فرق ندارد بوارث هم حق دادیم در حالتیکه اگر مالک نبود ارت نمی برد ما این حق تملك را برای او باین شکل قائل شده ایم بنده عقیده ام این است که این ماده هفت نقض میکند غرضی را که از وضع این قانون داریم مگر محدودش کنیم و

فرض عدلیه - ظاهر این ماده البته حق میدهد بنده محترم که بفرماند که این را بایک صورتی و تغییر عنوانی حق مالکیت را برای اتباع خارجه قائل شدیم ولیکن اگر این ظاهر را بگذاریم کنار و عمل را در نظر بگیریم آن وقت بنده تصور میکنم که ایراد ایشان وارد نباشد و مخصوصاً اگر بیایم یک قدری عقب تر برویم و علت او فاش کنیم این ماده را در نظر بگیریم که برای چه چیز است و برای چه بدولت آمده و این لایحه را تهیه کرده مطلب معلوم می شود. آقا میفرمایند اگر این ماده را حذف کردیم خوب طوری می شود و منصفانه خواهد شد! بنده مدتی از جلسات قبل که این لایحه مطرح بود دروقتی که راجع بکلیات قانون صحبت میکردند یکی از آقایان اعتراض کردند و جواب عرض کردم حالا باز یادآوری میکنم عرایضی که کردم ما این جا می توانستیم بگوئیم که اتباع خارجه يك اموالی که ما در این جا ذکر کردیم و برخلاف مقررات آمده اند بدست آورده اند ما بهشان مهلت میدهم و میگوئیم که بایستی شما تا فلان وقت یا خودتان بفروشید یا اگر نفروختید ما هم آنوقت در قاصده شش ماه یکسال مثلاً بر میداریم بمزایده میگذاریم و بفروشیم. این يك رویه ولی واقعاً این رویه از نقطه نظر حساب منصفانه بود یا نه؟ يك کسیکه بداند يك جنسی حتمی است فروشش و در یکمدمت معینی

فقط باید بفروش جرسد تصور نمیکم که در خرید عجله داشته باشد فرضاً بنده باو طلب می نمود يك ملکی را که دست چکی از اتباع خارجه است بخرم میدانم هم که وقتیکه خواستند او را در یکمدمت معینی بفروشند مشتری زیادی از برایش پیدا نخواهد شد شاید من هشتم و چهارم نفر دیگر چه ضرری برای من خواهد داشت اگر پیام و یک قدری خودداری کنم از اینکه بروم و پیشنهاد فروش بدهم چه ضرری خواهد داشت که ماها چند نفر باهم بنایی بکیم و نخیریم ملک را نتیجه چه می شود بواسطه این بنایی بواسطه این خود داری ملک فروخته نمی شود باید حالا آنرا بطور مزایده دولت بفروش برساند. خوب وقتی که مزایده گذاشتیم آنوقت میخواهید بگوئید هر قیمتی را که پیشنهاد کردند آن بالاترین قیمت خوبست چه ضرری خواهد داشت از برای چند نفر خریدار وقتی که يك ملکی ده هزار تومان قیمت داشته باشد حد اعلی چهار هزار تومان آنها بیاوند پیشنهاد کنند یکیشان سه هزار تومان پیشنهاد کند یکیشان سه هزار و پانصد تومان یکیشان کمتر حد اعلی چهار هزار تومان چه ضرر دارد ارزان خریدن آنوقت وضعت صاحب ملک چیست شما میگوئید در فلان مدت بفروش عرض کردم این خطرا دارد که يك اشخاص بنایی بکنند و نخیرند در آمدت علی ای حال باید بفروشند از آن مدت که گذشتیم مزایده می شود چه مانعی خواهد بود که مزایده را بقیمت کمی بیاورند پیشنهاد بدهند و پیشنهادشان هم قابل قبول باشد پس از نقطه نظر احسان و برای اینکه عرض کردم در مقدمه لایحه است که دولت خواسته است این گذشته را با نظر ارفاقی تسویه بکند از این نقطه نظر باید يك راه حلی پیدا کرد که به آنها هم ضرری نخورد آن وقت چه می شد آنوقت همین میشد که گفتیم اگر نباشد مزایده گذاشتند دیگری بحد اقل قیمتی که تقویم شده بود خرید بالاخره دولت می آید و این را میخرد بعد از این هم باید فکر پرداختش را کرد دولت وقتی ملکی را خرید بدو قسم می تواند قیمت را بپردازد یا این است که يك قسمت از عایدات خزانه را بردارد و يك قسمت از عایدات خودش را صرف این کار بکند تصدیق میفرمایند این عملی نیست يك قسم دیگر این است که خود دولت مشتری پیدا

کند و این ملک را بفروشد و اگر يك موقعی هم از يك تقاضی در يك محل هائی ضرورت باندازه بود که زودتر این کار را تصفیه کند آنوقت از خزانه بردارد دستش باز است برای این عمل و خود این مسئله باعث این می شود که مردم دیگر آن سوء استفاده را که ممکن بود بعضی از خریداران بکنند دیگر نکنند برای این که يك ملک که فرضاً ده هزار تومان قیمت داشت و واقعاً می ارزید و کسی نخواست بخرد دیگر میدانند که دولت این را خواهد خرید و بعد هم مشتری دیگری پیدا خواهد شد. این آدم يك فرجه دارد باین عرایضی که کردم اگر نماینده محترم یا آقایان دیگر يك طریقی در نظر داشته باشند که آن طریق عبارت از حذف ماده نباشد و عبارت از این هم نباشد که شما بگوئید در فلان تاریخ معین بایستی بمزایده گذارد ولو بهر قیمت که این البته منصفانه نیست و البته آقایان هم تصدیق نخواهند فرمود حالا اگر برای تأمین دو نظر که یکی آن نظر اساسی که قانون را آورده است باشد یعنی گرفتن و تسویه کردن این گذشته و گرفتن املاک از دست اتباع خارجه و یکی دیگر هم این که این عمل بایک نظر منصفانه اعمال بشود و صورت خارجی پیدا کند اگر يك راهنمایی بنظر تان برسد يك پیشنهادی که هر دو نظر را تأمین کند که هم ملک دیگران به ثمن بخش فروخته نشود و هم در دستشان ملک نماند بنده حاضر آن پیشنهاد را با کمال میل قبول کنم و این ماده را تغییر دهم اما حذف ماده علاج نمیکند.

رئیس - آقای ونوق.

ونوق - بنده هم در تعقیب فرمایشات آقای مؤیدی میخواستم عرایضی بکنم زیرا فرمایشات آقای داور بنده را متقاعد نکرد چون يك اصلی ما داریم که اتباع خارجه نمیتوانند در مملکت ایران ملک مزروعی داشته باشند این اصل در جای خودش محفوظ و حالا برای ارفاق اینطور که میفرمایند برای اجرای این قانون مجبور شده اند که این قانون را بیاورند و انتزاع املاک مزروعی از اتباع خارجه را باین طرز که این قانون معین کرده میخواهند عملی کنند بنده عرضی ندارم گو اینکه به بنده نوبه نرسید آنوقتیکه کلیات این قانون مطرح بود عرایضی بکنم بنده

در اصل لایحه هم مخالف بودم زیرا وقتی ما يك عهدی داریم بادول خارجه روی اصل تساوی و داد دیگر اینها لزوم ندارد که اصولاً مالکیت آنها را در مملکت خودمان رفع کنیم زیرا اگر آنها اجازه میدهند که اتباع مملکت مزروعی یا غیر مزروعی در خاک آنها داشته باشند ما هم مطابق آن عهد و آن قانون اجازه می دهیم آن ها هم در خاک ما داشته باشند و لسی البته وقتی که آنها اجازه نمی دهند اتباع ما در مملکت آن ها ادارای هیچگونه علاقه و ملک و این ها شوند اصل اینست که آنها هم نداشته باشند و لسی حالا این اصل در این قانون بجای خودش محفوظ ولی شما در این ماده تقریباً آمده اید این اصل را متزلزل می کنید میگوئید اگر پول املاک را نداشته باشند به آنها بدهند مادامی که این پول را نداده اند آن املاک در دست آنها باقی بماند اصلاً آنها حق خریداری ملک را نداشتند تا ما برای آنها يك حقی قائل شویم و بگوئیم این املاک در دست آنها باقی بماند اصلاً و اساساً این خرید بر خلاف قانون بوده که امروز در دست آنها ما بشناسیم و انتقال بدولت و فروش و اینها يك اشکالاتی دارد بنده عقیده دارم اگر موافقت بفرمائید حذف ماده را پیشنهاد نمیکنم ولی در خود ماده این پیشنهاد را میکنم که شما يك مدتی مهلت بدهید باتباع خارجه در دو سال سه سال يك مدتی که میدانید آنها را مجبور کنید املاک خودشان را منتقل کنند به اتباع داخله بهر شکلی که دولت میدانند اصلاً این کاری که مقوم معین کنند تقویم کنند قیمت تادیه بکنند اگر قیمت تادیه نکرد در دست او امانت باشد تمام این محظورات رفع میشود (وزیر عدلیه اگر نکردند) اگر نکردند شما میتوانید از شان انتزاع بکنید اصولاً این قانون در جای خودش محفوظ است شما میخواهید ارفاق کنید شما ۳ سال، ۴ سال، ۵ سال به آنها مهلت بدهید املاکشان را باتباع داخله برگردانید اگر نکردند البته يك ترتیبی دارد چون اصلاً بر خلاف قانون رفتار کرده اند اگر شما ملک آنها را حراج بکنید و پولش رابه آنها

بطلبه خرج اشکالی نخواهد داشت و بر خلاف عدالت هم رفتار نگردد. **رئیس** - اجازه می فرمائید؛ عرض می شود اعتراضاتی که در این باب این ماده میشود و بیشترش تکرار است تصور میکنم با توجه اینکه آقای وزیر عدلیه دادند قانع شده باشند به نظر در این ماده هست نظر اول این که سلب مالکیت از اتباع خارجه بکنیم و اجمع باملاک (مالک) اینها را بکنیم. مالکیتی نیست آن يك مبحث دیگری است در يك ماده دیگر ماده یازده آنرا بحث میکنیم يك نظر این است که املاکی که درید اتباع خارجی است آنها را انتزاع کنند نظر دوم این است که این پولی که میخواهند بدهند و يك املاکی را بخرند يك پول زیادی بدهند بگویند آقایان این قیمت املاکشان باید این نکته را هم رعایت کرد و پول زیادی هم موجود نیست که بخواهیم بانها بدهیم نظر سوم این است که يك تحمیل زیادی هم باتباع خارجه نشود که بگویند بما فشار آوردند در يك مدت خیلی محدودی در يك موقع خیلی معینی میخواهند املاک را از دست ما بقیمت نازل در بیاورند با ملاحظه و رعایت این سه نظر هیچ راه دیگری بنظر نمیاید غیر از همینکه دولت پیشنهاد کرده معهدا اگر بنظر تان میرسد يك پیشنهادی بفرمائید که جامع این سه نظر باشد که هم تضییق باتباع خارجه نشود و هم تضییق بدولت نشود که يك پول زیادی از خزانه بردارد و هم اینکه ملک از دست آنها خارج شود بفرمائید.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده يك نظری داشتم میخواستم این را از آقای مخبر یا آقای وزیر سؤال کنم در تمام این مواد قسمتی را بکلی از نظر دور انداخته اند و آن این است که اگر يك جا بیع شرط بود چه صورتی دارد ممکن است که غالبش اینها را گرو گذاشته باشند بترتیب معامله هائی که امروز مرسوم است و در محاضر رسمی سند قطعی هم صادر شده باشد چنانچه امروز این قبیل معاملات میشود

با اینکه اجاره باشد داده است دو ساله با جلد بکویچه اسناد رسمی این را چه معامله میکنند در موقع خرید و فروش چه ترتیب میشود این را هم ممکن است یادداشت بفرمایند در کیسیون در نظر بگیرند که در شور دوم تکلیف این قسمت هم معلوم شود چون ممکن است حق بعضیها در اینجا یا بمال بشود.

مخبر - عرض میشود در قسمت اول مسئله بیع شرط اگر بیع منقضي شده باشد بموجب ماده یازده طرفش هم تبعه ایران باشد بیع قطعی شده است و مال تبعه ایران است و اگر بیع مراعی است یعنی هنوز قطعی نشده است حکم سایر معاملات را دارد ملک مال کسی است که خریده است منتهی يك اختیار فسخی باقی است و ما بر خلاف ترتیبی که مقرر است در حقوق مدنی خودمان نمیتوانیم ترتیبی قائل شویم و اما راجع باجاره در این قسمت هم اشکالی نیست چون اجاره سلب تصرف نمیکند و مالکیت موجر باقی است و ید مستأجر همیشه ید امانی است

جمعی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهادی از آقای مؤید احمدی رسیده

است قرائت میشود

تبصره ذیل را بماده ۷ پیشنهاد میکنم

تبصره - دولت مکلف است در ظرف ده سال هر گاه ملک مزبور مشتری پیدا نکرد قیمت ملک مزبور را به قیمت تقویمی پرداخته و ملک را تصاحب نماید.

رئیس - ماده هشتم قرائت میشود

ماده هشتم - هر گاه دولت قیمت ملک را نپرداخت و بعد خواست آنرا تادیه کند هر يك از طرفین حق خواهند داشت تقاضای تقویم مجدد نمایند در این صورت تقویم بتوسط مقومین مالیه و دارنده ملک و عند اللزوم بر طبق ماده ۳ بعمل خواهد آمد و دولت باید قیمتی را که پس از تقویم مجدد معین میشود تادیه کند.

رئیس - ماده نهم قرائت میشود:

ماده نهم - جز در مورد ماده قبل که حق الزوجه

مقوم بعهده طرفی است که تقاضای تجدید تقویم کرده در کلیه موارد حق الزوجه عمومی که دارنده ملک معین مینماید و همچنین حق الزوجه عمومی که از طرف محکمه و مدعی العموم مطابق این قانون معین میشود و مخارج مزایده به عهده دارنده ملک خواهد بود

رئیس - ماده دهم قرائت میشود:

ماده دهم - هر نقل و انتقال راجع با اموال غیر منقول که تا تاریخ اجراء این قانون از طرف اتباع خارجه باتباع ایران واقع شده باشد و همچنین هر نقل و انتقالی باتباع ایران که از تاریخ اجراء این قانون تا سه ماه مقرر در ماده (۱) بعمل آید معتبر است.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بموجب ماده دهم هر نقل و انتقالی که قبل از این قانون یا تا سه ماه بعد از وضع این قانون از طرف اتباع خارجه به اتباع ایران بعمل آید قانونی خواهد بود و معتبر است یعنی هرملکی را که آنها تصاحب کرده باشند باتباع ایران فروخته باشند معتبر است و معامله آنها صحیح است بسااست و ممکن است آن ها اعتراضی از طرف شخص ثالث داشته باشند ملکی را یا برهن یا بصورت دیگری تصاحب کرده اند و بعد هم منتقل کرده اند در ضمن یک اعتراضی از طرف شخص ثالث به آن ملک هست اینجا که ما معامله را تصدیق میکنیم البته دیگر محل اعتراضی باقی نماند در صورتیکه مقصود ما در اینجا فقط انتقال به تبعه ایران است که میخواهیم تصدیق کنیم که این انتقال صحیح است ولی دعاوی سابق این ملک را که ما نمیتوانیم تصدیق کنیم که آن دعاوی هم ازین باید برود به باره آخری ضامن درک این معاملات کی خواهد بود آیا آن تبعه خارجه که منتقل کرده است اوضامن درک خواهد بود یا این کسی که الان مالک شده است باید با مالک اولی بیرون محاکمه کنند تکلیف اشخاص ثالث در این باب چه خواهد بود البته آنرا ما نباید بکلی صرف نظر کنیم و ازین بریم باید ماده طوری وضع شود که اگر اعتراضاتی از طرف اشخاص ثالث بملک هست آنها در جای خودش مطابق جریانات قانونی معمول بشود و حق

بگوید مثل اینکه گفته شده است که اصلاً این تبعه خارجه حق نداشته است مالک بشود که این را انتقال بدهد پس بنا براین یک ایرادی بر این ناقل وارد بود من حیث اینکه این ناقل تبعه خارجه است ما این عیب را خواستیم رفع کنیم و الا اگر از سایر جهات عیبی باشد باقی خواهد بود و مسلماً یک تبعه خارجه که آمده است ملک را انتقال داده است ضامن در کس هم خواهد بود و تمام آن اصول دیگر بجای خودش باقی است با وجود این حال اگر تصور میفرمائید که بایک فرمول دیگری مطلب روشن تر میشود پیشنهاد بکنید.

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود:

ماده یازدهم - نسبت به نقل و انتقالی که از طرف اتباع خارجه واقع شده یا بشود اعم از اینکه تبعه خارجه مستقیماً ناقل بوده یا ملک مطابق ماده ۷ انتقال داده شده

باشد تبعه خارجه ضامن درک و مسؤل کشف فساد خواهد بود.

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود:

ماده دوازدهم - این قانون پس از یک ماه از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

رئیس - رأی میگیریم بورود در شور ثانی موافقین

قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

[۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - پیشنهاد شده است که جلسه را ختم کنیم

(صحیح است) اگر موافقت میفرمائید جلسه آینده

چهارشنبه ششم اسفند سه ساعت قبل از ظهر دستور

هم لوایح موجوده

[مجلس مقارن ظهر ختم شد]

رئیس مجلس شورای ملی - داد گر